عدم تطابق وجه «تهوین و تخفیف» با قرائات متفاوت المعنی

فقط «تهوینا» میماند که دیروز عرض کردم. باید بعداً به آن برسیم. دیروز عرض کردم آن چه که مقصود شما بود و افاده کردید، به اندازهای که من فکر کردم، مناسبت دارد که بگوید: «جائز للامه افراد القرائات تهوینا». یعنی شما یکی بخوانید کافی است. در همه عمر خودتان قرائات دیگر را نخوانید کافی است. خدای متعال به تو سخت نمیگیرد. اگر تهوین و تخفیف برای افراد القرائه باشد، حرف شما خوب است؛ سخت است! من چطور هفت تا را بخوانم! اما اینکه شما بگویید هفت تا را در یکی بخوانم، خب خدا نفرموده که هر هفت تا را جمع کنید. پیامبر خدا در امت پخش کردهاند؛ سبعه را بهصورت اقراء پخش کردهاند. کل بدنه امت حافظ اینها هستند. و لذا به هر کدام گفتند «فلیقرأ کل رجل منکم کما عُلّمت». خب این چه تخفیفی میشود؟!

شاگرد: روی این فرض میشود. اگر میخواستند این قرآن را تک قرائتی بفرستند، ده برابر این میشد، برای اینکه امت کل آنها را بهراحتی دریافت کنند به این صورت فرستادیم.

استاد :در اینجا که کار امت راحت نیست. وقتی میگوییم امت یعنی کار آنها راحت باشد. خدای متعال کار خودش را انجام داده؛ یعنی از بدنه امت اسلامی، از میلیون ها نفر استفاده کرده و قرائات مختلف را در بلاد مختلف و امصار مختلف؛ در این همه کتب تفسیری آورده است.

دیشب که تبیان شیخ الطائفه را میدیدم، شما بگویید قرائة التبیان؛ یعنی تنها بخش قرائت تبیان را جدا کنید، شاید ثلث کتاب باشد. یعنی مرحوم شیخ الطائفه به این وسعت، بحث قرائات را در تبیان مطرح میکنند! خدای متعال به این صورت حفظ کرده. نه اینکه تخفیف بر امت است. تخفیف بر امت یعنی اینها بر آنها راحت باشد. طبری گفت: عثمان گفت خدا برای آسانی ما به این صورت گفته، حالا هم برای اینکه اختلاف نکنیم یکی از آنها را میگیریم و شش تا را کنار میگذاریم. طبری صریحاً این را گفت. خب چه تخفیفی است؟! او میگوید آن چیزی که خداوند ما را در آن مخیّر قرار داده بود، شش حرفش را کنار میگذاریم.

شاگرد: ما در فضای تخفیفی که آنها معنا میکنند، نمیرویم.

استاد: تخفیفی است که متخذ از روایات است.

شاگرد: آن معنایی که آنها میگویند از روایات در نمیآید که واقعاً تحمیلی و تحریفی است. ما میگوییم یک معنای تخفیف این میتواند باشد؛ که وقتی میخواهند قرآن را یاد بگیرند واقعا تخفیف است که قرائات به این صورت باشد.

استاد: اصلاً من این بحث را برای این نکته گفتم. یکی از چیزهایی که دردآور است، همین است: وقتی شما می‌گویید تخفیف، فضایی می‌شود که در بعضی قرائاتی که متواتر است و همه با آن درگیر هستند مانند «ملک» و «مالک» در سوره حمد، می‌خواهند با تخفیف درستش کنند. شما تصور کنید: چون داریم «ووّن علی امتی»، «خفّف علی امتی»، پس دو جور بخوانید. بخوانید «ملک» و بخوانید «مالک». این تخفیف است؟! شما فکر کنید. این چه تخفیفی است؟! دو کلمه با دو معانی جدا هستند که هزار و خوردهای سال علماء چقدر بحث کرده‌اند؛ سر تفاوت معانی این‌ها و... . ذا در متفاح المفاتیح عرض کرده بودم که از خصوصیات قرائت «ملک» و «مالک» این است که دو نزاع مهم را به وسیله قاعده حذف، حذف می‌کنیم.

یعنی هر منصفی که نگاه کند، تفاوت «ملک» و «مالک» نمی‌تواند در محدوده «ووّن علی امتی» داخل شود. چرا؟ چون مترادف نیست. لهجه نیست، هر دوی آن‌ها برای قریش است. می‌گویند لهجه بنی تمیم و... . «ملک» و «مالک» هر دو که لهجه قریش است! ببینید تفاوت لهجه را حذف کرد. تفاوت مترادف ها را حذف کرد. چون «ملک» و «مالک» مترادف نیستند. قبلاً این‌ها را عرض کرده بودم. به تفصیل بحث کرده بودیم. این‌ها خیلی مهم است. مادام بگوییم «تهوین و تخفیف»! درحالی‌که ما در نزول سبعة احرف مطالب مهمتری داریم نسبت به این‌که سریع به مسأله تخفیف بزنیم که یک حوزه خوب سهولت شریعت است. وقتی این در فضای تحقیق علمی مطرح می‌شود باعث می‌شود دقائق بحث سبعة احرف فراموش شود و صورت مسأله پاک شود. این از این نظر خیلی مهم است.

بازبینی #2
ایجاد شده 8 آوریل 2024 14:32:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2024 13:07:12 توسط ... .